

Criminal Prosecution of the Crime of Preventing Children and Adolescents from Education in the Legal System of the Islamic Republic of Iran

Ahmad Ali Ghane^{*}

(Received: 27/03/2022; Accepted: 15/07/2022)

Abstract

Today, children's education is a social necessity and the right to education is considered one of their fundamental rights. Depriving children of this right leads to a problem for them. Therefore, Iran's legal system has made education mandatory up to the secondary level. Sometimes, some people prevent their children from studying in school, despite the provision of the required conditions. Our legal system has thought of special measures to deal with this act. Using the descriptive-analytical method and collecting data from library sources, the present research aims to answer the question: What is the reaction of our penal system to the prevention of children and adolescents from education? The results of the research indicate that since 1322 until now, the prevention of children and teenagers from education has always been subject to criminal prosecution. However, it depends on certain conditions that are explained and clarified in the present article.

Keywords: Prevention of Education, Dropping out of Education, Child, Alimony.

^{*} Associate Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Imam Sadiq University (AS), Tehran, Iran, ghane@isu.ac.ir.

تعقیب کیفری جرم ممانعت از تحصیل کودک و نوجوان در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران

احمدعلی قانع*

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۲۴]

چکیده

امروزه آموزش و تحصیل کودکان به ضرورتی اجتماعی تبدیل شده و حق بر آموزش، یکی از حقوق بنیادیشان محسوب می‌شود. سلب این حق از کودک، به معضلی برای او می‌انجامد. از همین رو نظام حقوقی ایران، تحصیل را تا مقطع متوسطه الزامی کرده است. گاه برخی افراد علی‌رغم فراهم بودن زمینه لازم، از تحصیل فرزندشان در مدرسه ممانعت می‌کنند. نظام حقوقی ما در مقابله با این رفتار، تمهیدات خاصی اندیشیده است. پژوهش پیش رو با روش توصیفی تحلیلی و با جمع‌آوری داده‌ها از طریق شیوه کتابخانه‌ای، با هدف پاسخ‌گویی به این پرسش سامان یافته است که: نظام کیفری ما در قبال ممانعت از تحصیل کودکان و نوجوانان چه واکنشی دارد؟ نتایج حاصل از این پژوهش، حاکی از آن است که از سال ۱۳۲۲ تا کنون، ممانعت از تحصیل کودکان و نوجوانان همواره مستوجب تعقیب کیفری بوده، اما منوط به وجود برخی شرایط است که در مقاله پیش رو تبیین و تشریح می‌شود.

کلیدواژه‌ها: ممانعت از تحصیل، ترک تحصیل، کودک، نفقه.

مقدمه

دین مبین اسلام کسب علم را بر هر زن و مرد مسلمانی واجب کرده است^۱ (مجلسی، بی تا: ۶۸؛ کلینی، ۱۳۶۹: ۳۱/۱). اهمیت این موضوع به قدری است که پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند: «أَطْلَبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالصَّيْنِ» (حر عاملی، ۱۴۱۲: ۲۷/۲۷). تجربه تاریخی بشر حکایت از آن دارد که بهترین زمان برای شروع علم‌آموزی در سنین کودکی است. به همین دلیل، امروزه در تمامی جوامع بشری کودکان را از همان اوان کودکی به مدرسه می‌فرستند. ائمه هدی (ع) نیز علم‌آموزی در سنین کم را دارای ماندگاری و تأثیر بیشتری دانسته و فرموده‌اند: «مَثَلُ الذِّي يَتَعَلَّمُ الْعِلْمَ فِي صِغَرِهِ كَالنَّقْشِ عَلَى الْحَجَرِ وَ مَثَلُ الذِّي يَتَعَلَّمُ فِي كِبَرِهِ كَالذِّي يَكْتُبُ عَلَى الْمَاءِ»^۲ (عاملی، ۱۴۰۹: ۲۲۵ و ۲۲۶؛ ابوحنیفه، ۱۳۸۵: ۸۲).

تحصیل کودکان یکی از حقوق بنیادینشان محسوب می‌شود. در ماده ۲۸ کنوانسیون حقوق کودک، که جمهوری اسلامی ایران نیز به آن ملحق شده، آمده است:

کشورهای طرف کنوانسیون، حق کودک را نسبت به آموزش و پرورش به رسمیت می‌شناسند و برای دستیابی تدریجی به این حق و بر اساس ایجاد فرصت‌های مساوی، اقدامات ذیل را معمول خواهند داشت: الف. اجباری و رایگان نمودن تحصیلات ابتدایی برای همگان

در قوانین داخلی بسیاری از کشورها نیز قوانینی در حمایت از تحصیل کودکان وضع شده است. نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران نیز از این قاعده کلی مستثنا نبوده و به شیوه‌های مختلف سعی در حمایت از تحصیل کودکان و نوجوانان کرده است؛ از جمله اصل ۳۰ قانون اساسی می‌گوید: «دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد». با این حال، متأسفانه برخی از کودکان و نوجوانان بنا به دلایل مختلفی هنوز از تحصیل محروم‌اند و برخی دیگر نیز از ادامه تحصیل باز می‌مانند که آسیب مهمی در نظام آموزشی محسوب می‌شود. آمار دقیقی از ترک تحصیل کودکان و نوجوانان وجود ندارد و آمار موجود نیز

تعارض بسیار دارد؛ به گونه‌ای که نمی‌توان به آنها اعتماد کرد. ولی خوش‌بینانه‌ترین آمار نیز نگران‌کننده است. شیوع بیماری کرونا در اواخر سال ۱۳۹۸ نیز بر میزان ترک تحصیل کودکان افزود. در این میان، آنچه وضعیت را تأسف‌بارتر می‌کند این است که گاه علی‌رغم تمایل کودک و نوجوان و فراهم‌بودن زمینه لازم در جامعه برای تحصیل، اولیایشان به طرق مختلفی مانع تحصیلشان می‌شوند. یکی از وظایف تربیتی والدین در برابر کودک و نوجوان فراهم‌آوردن وسایل و امکانات تحصیل او است. این تکلیف امروز از آن جهت که تربیت از حوزه خانواده خارج شده و به عهده نهادهای دولتی و مدنی نهاده شده، محل توجه است (اسدی، ۱۳۹۲: ۳۲۲). آسیب‌های ممانعت از تحصیل کودکان و نوجوانان به قدری است که نظام کیفری ما برای اولیایی که از تحصیل فرزندشان ممانعت می‌ورزند، مجازات در نظر گرفته است.

در پژوهش پیش رو نگارنده با روش توصیفی تحلیلی و جمع‌آوری داده‌ها از طریق شیوه کتابخانه‌ای در صدد است واکنش نظام کیفری ما را در قبال اولیایی که از تحصیل فرزندشان ممانعت می‌ورزند، تبیین کند. در این راستا لازم است پیشینه جرم‌انگاری و ارکان جرم ممانعت از تحصیل فرزند و جزئیاتش نیز بررسی شود. شایان ذکر است که پژوهش حاضر صرفاً درباره تحصیل در مدرسه است و تحصیلات دانشگاهی را شامل نمی‌شود. مطالعه پژوهش کنونی برای قضات محاکم کیفری، فعالان عرصه خانواده و افرادی که به نوعی با دانش‌آموزان مرتبط‌اند، مفید است.

۱. پیشینه جرم‌انگاری ممانعت از تحصیل کودک

برای اولین بار در سال ۱۳۲۲ به موجب قانون راجع به آموزش و پرورش عمومی اجباری و مجانی، اولیای طفل مکلف شدند فرزندشان را به مدرسه بفرستند. ماده ۵ این قانون مقرر می‌داشت: «در نقاطی که طبق ماده چهارم، اجباری بودن تعلیمات اعلام شده، اهالی مکلف‌اند اطفال خود را که سنشان شش سال تمام باشد، در شهریورماه در دبستان‌ها نام‌نویسی کنند». در ماده ۶ همین قانون برای اولیایی که از این تکلیف قانونی

تعقیب کیفری جرم ممانعت از تحصیل کودک و نوجوان در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران ۶۳/

امتناع کنند، ده ریال به عنوان جزای نقدی تعیین شده بود. ماده اخیرالذکر، به موجب تصویب قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی، سال ۱۳۵۳، نسخ شد. قانون اخیرالذکر هنوز هم حیات حقوقی دارد و در مباحث آتی مفصلاً توضیح می‌دهیم. پس از آن، در سال ۱۳۸۱ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان تصویب شد و در ماده ۴ در پی تصریح بر ممنوعیت ممانعت از تحصیل کودکان، نقض‌کنندگان این تکلیف قانونی را شایسته سه ماه و یک روز تا شش ماه حبس، یا تا ده میلیون ریال جزای نقدی دانست.

آخرین قانونی که تاکنون در این باره وضع شده، قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، مصوب ۱۳۹۹، است که قانون ۱۳۸۱ را نسخ کرده است. ماده ۷ این قانون برای اولیایی که، برخلاف مقررات قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی، مصوب ۱۳۵۰، از ثبت نام و فراهم کردن موجبات تحصیل فرزندشان تا پایان دوره متوسطه امتناع، یا به طریقی از تحصیلش ممانعت کنند، جزای نقدی درجه هفت را پیش‌بینی کرده است؛ به عبارت دیگر، قانون ۱۳۵۳ همچنان حیات حقوقی دارد.

۲. هزینه تحصیل؛ مصداق نفقه

واژه «نفقه» به معنای بذل و بخشش آمده است (شرتونی لبنانی، بی‌تا: ۱۳۳۱/۲، به نقل از: فرشتیان، ۱۳۷۱: ۱۸). در ادبیات قرآنی نیز چندین فعل از این واژه مشتق شده که همین معنا را افاده می‌کنند^۳ (موسوی مصباح‌الشریعه و قانع، ۱۴۰۰: ۱۰۸). برخی نیز «نفقه» را به معنای چیزی دانسته‌اند که انسان آن را برای عیالش خرج می‌کند (عبدالحمید، ۱۳۷۷: ۱۹۲). در ادبیات فارسی «نفقه» به معنای هزینه زندگی عیال و اولاد آمده است (معین، ۱۳۸۶: ۱۹۶۱/۲). در فقه نیز فقها آن را به مصداق تعریف کرده‌اند (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۱: ۵۷۷؛ نجفی، ۱۴۳۰: ۳۳۰/۳۱). با توجه به ماده ۱۱۰۷ که درباره نفقه زوجه است و ماده ۱۲۰۴ که درباره نفقه اقارب است و نیز با استفاده از کلمات فقها، به طور کلی می‌توان گفت «نفقه» در

اصطلاح عبارت است از مخارجی که برای گذراندن زندگی لازم است (موسوی مصباح الشریعه و قانع، ۱۴۰۰: ۱۰۸).

فقها اموری همچون مسکن، خوراک، پوشاک و ... را به عنوان نفقه مطرح کرده‌اند، اما از قدیم‌الایام این پرسش مطرح بوده است که آیا نفقه منحصر در همین‌ها است یا اینکه اینها از باب مثال ذکر شده است. پاسخ به این پرسش از این جهت اهمیت دارد که انسان‌ها نیازهای مادی دیگری هم دارند که لازم است تأمین شود، مانند هزینه دارو و درمان بیماری. همچنین، در اثر گذر زمان نیازهای جدیدی نیز به وجود می‌آید که در زمان‌های گذشته مطرح نبوده است، مانند خرید گوشی همراه. فقها در پاسخ به این پرسش اتفاق نظر نداشته‌اند (عاملی، ۱۴۲۳: ۴۵۵/۸ و ۴۵۶). ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی پیشین نیز به‌ظاهر، مصادیق نفقه را حصری می‌دانست و اعلام کرده بود: «نفقه عبارت است از مسکن و البسه و غذا و اثاث‌البیت که به طور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد و خادم در صورت عادت زن به داشتن خادم یا احتیاج او به واسطه مرض یا نقصان اعضا». چنان‌که می‌بینیم، ماده مذکور فقط مسکن، پوشاک، خوراک، وسایل خانه و خدمت‌گزار را ذکر کرده و از سایر چیزهایی که عرفاً زن به آن احتیاج دارد، مانند هزینه دارو سخنی نگفته بود. ظاهر قانون حاکی از آن بود که این‌گونه هزینه‌ها جزء نفقه نیست، اما قبول این نظر برخلاف مصلحت خانواده و اجتماع می‌نمود و با ذوق سلیم و عرف هم سازگاری نداشت (صفایی و امامی، ۱۳۸۸: ۱۳۶). در سال ۱۳۸۱ این ماده اصلاح شد و مقرر داشت: «نفقه عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل و هزینه‌های درمانی و بهداشتی، و خادم، در صورت عادت یا احتیاج به واسطه نقصان یا مرض». ماده اخیرالذکر با افزودن عبارت «همه نیازهای متعارف» و عبارت «از قبیل» در واقع اعلام کرد آنچه به عنوان نفقه آمده، صرفاً جنبه تمثیلی داشته و مصادیق دیگری را نیز می‌تواند شامل شود. این موضوع با واقعیت‌ها، تحولات و نیازهای روز جامعه نیز همخوانی دارد.

تعقیب کیفری جرم ممانعت از تحصیل کودک و نوجوان در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران / ۶۵

با این حال، ماده محل بحث درباره نفقه زوجه است و نفقه سایر اشخاص واجب‌النفقة، مانند فرزندان، در ماده ۱۲۰۴ ذکر شده است. طبق این ماده: «نفقه اقارب عبارت است از مسکن و البسه و غذا و اثاث‌البیت به قدر رفع حاجت». چنان‌که می‌بینیم، همان پرسش سابق درباره نفقه زوجه، همچنان درباره نفقه اقارب نیز قابل طرح است؛ یعنی اینکه: آیا نفقه اقارب، منحصر در همین‌ها است، یا اینکه مصادیق دیگری نیز می‌تواند داشته باشد؟ برخی بر اساس ظاهر این ماده معتقدند نفقه اقارب احصا شده است (زینلی، ۱۳۹۵: ۵)، اما به نظر می‌رسد در زمینه مصادیق نفقه، زوجیت موضوعیتی نداشته و با وحدت ملاک گرفتن از نفقه زوجه، باید اذعان داشت که نفقه اقارب نیز منحصر در امور بیان‌شده در ماده ۱۲۰۴ قانون مدنی نبوده، بلکه اینها از باب مثال ذکر شده‌اند. این مدعا را حقوق‌دانان نیز تأیید کرده‌اند، از جمله گفته‌اند:

چنان‌که در نفقه زوجه نیز گفته شده، آنچه در قانون آمده، به عنوان نمونه و مثال از مهم‌ترین نیازمندی‌های زندگی است و جنبه حصری ندارد؛ بنابراین، نمی‌توان ادعا کرد که هزینه نظافت و بهداشت یا رفت و آمد و سوخت در زمره ارکان نفقه نیست. لوازم زندگی را به‌دشواری می‌توان شمار کرد. پیشرفت تمدن و صنایع نیازمندی‌های تازه‌ای به وجود می‌آورد و مفهوم نیازمندی‌های پیشین را تغییر می‌دهد ... از تفنن‌ها باید گذشت، ولی ضرورت‌های زمانه را باید در نظر داشت (کاتوزیان، ۱۳۸۹: ۳۱۳/۲).

حال که دانستیم مصادیق نفقه مندرج در ماده ۱۲۰۴ قانون مدنی تمثیلی است، جای این پرسش هست که: آیا امروزه هزینه‌های تحصیل فرزندان نیز مصداق نفقه ایشان محسوب می‌شود یا خیر؟ در ماده ۱۲۰۴ و همچنین در کتب فقهی در این باره نصی دیده نمی‌شود و تحصیل، یکی از مصادیق نفقه دانسته نشده است. شاید به همین دلیل است که برخی پژوهشگران به این پرسش پاسخ منفی داده‌اند (زینلی، ۱۳۹۵: ۱)، اما توجه به واقعیت‌های اجتماعی صحت این پاسخ را خدشه‌دار می‌کند؛ زیرا در جامعه ما

تحصیل در مدرسه برای هر شخصی به ضرورتی اجتماعی تبدیل شده است. در جامعه‌ای که اکثر قریب به اتفاق مردم، در مدرسه درس خوانده‌اند، عرف، هر پدری را ملزم می‌داند که فرزندش را به مدرسه بفرستد و زمینه تحصیلش را فراهم کند. در غیر این صورت، زندگی آن فرزند با معضلات فراوانی روبه‌رو خواهد شد و زندگی آسیب‌پذیری در پیش خواهد داشت. از همین‌رو، نگارنده معتقد است تأمین هزینه‌ها و فراهم‌آوردن شرایط لازم برای اینکه فرزند به مدرسه برود، یکی از مصادیق نفقه است، و بر ولی لازم و واجب است؛ به عبارت دیگر، حتی اگر هیچ قانونی فراهم‌آوردن مقدمات تحصیل برای فرزند را بر ولی الزامی نکرده بود، باز هم این تکلیف بر عهده‌اش بود. رویه غالب قضایی هم این است که هزینه‌های تحصیل فرزند تا پایان دوره‌ای که تحصیل الزامی است، از مصادیق نفقه به حساب می‌آید؛ بنابراین، در حال حاضر، دو راهکار قانونی در حمایت از تحصیل فرزندان وجود دارد: یکی استحقاق فرزندان بر دریافت نفقه و دیگری جرم‌انگاری ممانعت از تحصیل فرزندان. در واقع، راهکار دوم نیز در راهکار اول ریشه دارد؛ یعنی چون ولی طفل مکلف به تأمین نفقه او است، باید امکانات و وسایل لازم برای تحصیلاتش را نیز فراهم کند.

۳. ارکان جرم ممانعت از تحصیل فرزند

به لحاظ حقوقی برای آنکه فعل خاصی جرم تلقی شود، باید نخست، قانون‌گذار این فعل را جرم شناخته و کیفری برایش مقرر کرده باشد که به آن «عنصر قانونی جرم» گفته می‌شود. در مرحله بعد، فعل یا ترک فعلی مشخص به منصف ظهور و بروز برسد که به آن «عنصر مادی جرم» می‌گویند. در مرحله سوم، باید آن رفتار با علم و اختیار ارتکاب یافته باشد که «عنصر روانی یا معنوی» نامیده می‌شود. در این قسمت، ارکان تشکیل‌دهنده جرم ممانعت از تحصیل فرزند به تفصیل بررسی و تبیین می‌شود.

۳. ۱. رکن قانونی

ماده ۷ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، مصوب ۱۳۹۹، چنین مقرر داشته است:

هر یک از والدین، اولیا یا سرپرستان قانونی طفل و نوجوان و تمام اشخاصی که مسئولیت نگه‌داری، مراقبت و تربیت طفل را بر عهده دارند، چنانچه برخلاف مقررات قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی مصوب ۱۳۵۳/۰۴/۳۰ از ثبت نام و فراهم کردن موجبات تحصیل طفل و نوجوان واجد شرایط تحصیل تا پایان دوره متوسطه امتناع کنند یا به هر نحوی از تحصیل او جلوگیری کنند، به انجام تکلیف یادشده و جزای نقدی درجه هفت قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شوند.

ماده فوق، تحقق جرم ممانعت از تحصیل را منوط به شرایط مندرج در قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و نوجوانان ایرانی، مصوب ۱۳۵۳، کرده است. به همین دلیل باید به استمرار حیات حقوقی این قانون قائل شد. ماده ۴ قانون اخیرالذکر نیز چنین مقرر داشته است:

هر یک از پدر یا مادر یا سرپرست قانونی کودک و نوجوان کمتر از ۱۸ سال که قانوناً مسئول پرداخت مخارج زندگی او می‌باشد و با داشتن امکانات مالی از تهیه وسایل و موجبات تحصیل کودک یا نوجوان واجد شرایط تحصیل شمول این قانون در محلی که موجبات تحصیل دوره‌های مربوطه از طرف وزارت آموزش و پرورش فراهم شده باشد، امتناع کند یا به نحوی از انحاء از تحصیل او جلوگیری نماید، به حکم مرجع قضایی که خارج از نوبت رسیدگی می‌کنند، به جزای نقدی از ده‌هزار ریال تا دویست هزار ریال و به انجام تکالیف فوق نسبت به کودک یا نوجوان محکوم خواهد شد.

۳.۲. رکن مادی

از نص ماده ۴ قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی می‌توان به این نتیجه دست یافت که رفتار فیزیکی جرم موضوع بحث، ممکن است به صورت فعل باشد، یا به صورت ترک فعل. اگر پدری فرزندش را از مدرسه رفتن نهی کرده، یا برای جلوگیری از تحصیل، او را مضروب کند و امثال این امور، رفتارش مشمول عنوان «مانعت از تحصیل» می‌شود که نوعی فعل است. حال، اگر به جای این رفتارها، مثلاً نوشت افزار لازم را تهیه نکند، مشمول عنوان «تهیه نکردن وسایل و موجبات تحصیل کودک» می‌شود که از نوع ترک فعل است. هر یک از این دو، به تنهایی می‌تواند جرم را محقق کند. در ادامه، شرایط، اوضاع و احوال تحقق جرم محل بحث را که در واقع ذیل «رکن مادی» قرار می‌گیرد، تشریح می‌کنیم.

۳.۲.۱. زیر ۱۸ سال بودن سن فرزند

قانون راجع به آموزش و پرورش عمومی اجباری و مجانی، مصوب ۱۳۲۲، تحصیلات اجباری را برای دوره ابتدایی (۶ سال) قرار داده بود، اما این قانون در سال ۱۳۵۰ اصلاح شد و به موجب آن دوره تحصیلات اجباری به ۸ سال (۵ سال دوره ابتدایی و ۳ سال دوره راهنمایی) افزایش یافت. در حال حاضر، اصل ۳۰ قانون اساسی این تکلیف را برای دولت تا پایان دوره متوسطه قرار داده است و معمولاً فرد در هجده سالگی مراحل تحصیلش را تا پایان دوره متوسطه به پایان می‌رساند. همچنین، ماده ۳ قانون سال ۱۳۵۳ برای تکمیل الزام وزارت آموزش و پرورش، دولت را مکلف کرده است که امکانات لازم را برای ادامه تحصیل نوجوانانی که دوره راهنمایی را به پایان رسانده و طبق ضوابط برای تحصیلات بالاتر مستعد شناخته شده‌اند، فراهم کند. با این وصف، دولت زمینه لازم برای آموزش رایگان افراد تا هجده سالگی را فراهم کرده است؛ پس والدین نیز مکلف به استفاده از این امکان در جهت ارتقای تحصیلی فرزندشان هستند. قراردادن تکلیف والدین تا هجده سالگی با این نقد روبه‌رو است که اگر کودک یا نوجوان موفق

تعقیب کیفری جرم ممانعت از تحصیل کودک و نوجوان در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران / ۶۹

به گذراندن سنوات تحصیلی به طور مستمر و بدون وقفه نشود یا در یک یا چند پایه مردود شود، به نحوی که تا هجده سالگی دوره متوسطه را به پایان نرساند، والدینش تکلیفی در فراهم آوردن امکانات ادامه تحصیل او ندارند (اسدی، ۱۳۹۲: ۳۲۴). نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه به تاریخ ۱۳۵۷/۰۵/۰۵ نیز بر همین مبنا اظهار کرده است: «فرزند کبیر حق مطالبه هزینه تحصیل را از پدر خود ندارد».

۳.۲.۲. مسئولیت مرتکب به تأمین مخارج زندگی

شخصی که مانع تحصیل می‌شود، باید پدر، یا مادر یا سرپرست قانونی، یا شخصی باشد که مکلف به نگاه‌داری و تربیت طفل است تا بتوان راجع به جرم محل بحث او را تعقیب کیفری کرد. چنانچه شخصی به عللی غیر از این روابط، از کودک نگاه‌داری کند، نمی‌توان به استناد ماده ۴ قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی یا ماده ۷ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان او را تحت پیگرد قرار داد.

نکته مهم در این مبحث آن است که سرپرستان قانونی کودک و نوجوان نیز گرچه حقیقتاً والدینش محسوب نمی‌شوند^۴ (موسوی مصباح‌الشریعه و قانع، ۱۴۰۰: ۱۰۶) اما مشمول مجازات قرار می‌گیرند؛ زیرا ماده ۱۷ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست، مصوب ۱۳۹۲، برای سرپرست و کودک یا نوجوان، تکالیفی همانند تکالیف والدین و فرزند پیش‌بینی کرده است. طبق این ماده: «تکالیف سرپرست نسبت به کودک یا نوجوان از لحاظ نگاه‌داری، تربیت و نفقه با رعایت تبصره ماده ۱۵ و احترام، نظیر تکالیف والدین نسبت به اولاد است. کودک یا نوجوان تحت سرپرستی نیز مکلف است نسبت به سرپرست احترامات متناسب با شأن وی را رعایت کند».

نکته دیگر آنکه، گاه در صورت وجود بعضی شرایط، برخی افراد مانند پدربزرگ نیز مکلف به پرداخت نفقه به نوه‌شان هستند. اگر مثلاً پدربزرگی از تحصیل نوه‌اش ممانعت کند، نمی‌توان او را مشمول عنوان مجرمانه محل بحث دانست؛ زیرا چنان‌که بیان شد، تعقیب کیفری صرفاً برای والدین، سرپرستان قانونی و اشخاصی که قانوناً مکلف به

نگه‌داری، مراقبت و تربیت طفل هستند، در نظر گرفته شده است، نه دیگران. حتی در صورت شک، بنا به اصل تفسیر به نفع متهم و ممنوعیت تفسیر موسع در قوانین جزایی، باید پدر بزرگ را از تعقیب کیفری بری دانست. با این حال، چنین شخصی به دلیل ترک انفاق، که در ماده ۵۲ قانون حمایت از خانواده^۵ جرم‌انگاری شده، سزاوار تعقیب کیفری است، که منوط به شکایت شاکی خصوصی است.

۳.۲.۳. تمکن مالی مرتکب

یکی از شرایط لازم برای تحقق جرم ممانعت از تحصیل فرزند آن است که شخص ممتنع، توانایی مالی پرداخت هزینه‌های لازم برای تحصیل فرزند را داشته باشد. اصولاً مجازات اشخاص به دلیل ناتوانی مالی مشروعیت ندارد؛ بنابراین، نمی‌توان شخصی را که از تأمین نیازهای مالی خود و اشخاص تحت تکفل عاجز است، به استناد اینکه هزینه تحصیل فرزندش را نمی‌پردازد، در خور مجازات دانست. البته این تمکن باید در حد تهیه وسایل و موجبات تحصیل کودک، مانند تهیه کتاب و نوشت افزار، تفسیر شود؛ زیرا دولت مکلف به فراهم کردن زمینه آموزش رایگان است. با این حال، به نظر می‌رسد اگر شخصی از تأمین وسایل تحصیل فرزندش عاجز باشد، اما بتواند با کار کردن و تلاش آن را تأمین کند، اما باز هم سهل‌انگاری کند، شایسته مجازات است؛ زیرا فقدان تمکن مالی نباید دستاویزی برای فرار از تکالیف قانونی قرار گیرد. در حقیقت، فقدان تمکن مالی رافع مسئولیت افرادی است که به عللی مانند کهولت سن، نقص عضو، بیماری و ... توان فراهم آوردن وسایل لازم برای تحصیل فرزند را ندارند. در واقع، قانون‌گذار قصد حمایت از افراد سهل‌انگار را ندارد.

۳.۲.۴. واجد شرایط تحصیل بودن کودک یا نوجوان

ماده ۳ قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و نوجوانان و جوانان ایرانی، ثبت نام نوجوانانی که دوره راهنمایی را طی کرده و طبق ضوابط وزارت آموزش و پرورش برای تحصیلات بالاتر مستعد شناخته شده‌اند ضروری دانسته و با فقدان این شرط

ارتکاب جرم ممانعت از تحصیل کودک درباره کودکانی که توانایی ذهنی برای تحصیل در مدارس عادی (روزانه) را از دست داده‌اند، تحقیق‌پذیر نیست (اسدی، ۱۳۹۲: ۳۲۵). بدیهی است که اگر شخصی به دلیلی مانند کسب نمرات ضعیف، مطابق مقررات و ضوابط وزارت آموزش و پرورش نتواند وارد مقطع متوسطه شود، بر اولیایش لازم نیست امکانات تحصیل را برایش فراهم کنند. با این حال، توجه به این نکته ضروری است که اگر نوجوانی به دلیلی مانند عارض شدن بیماری بر او نمرات ضعیفی کسب کند و به همین دلیل نتواند به مدارس عادی (روزانه) وارد شود، اما استعداد و توانایی ذهنی لازم را دارا باشد، ولی او باید مقدمات تحصیلش را در مدارس شبانه فراهم آورد تا از حق خود بر آموزش و دریافت نفقه محروم نشود.

۳. ۲. ۵. فراهم‌بودن موجبات تحصیل رایگان

ماده ۲ قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و نوجوانان ایرانی، موضوع الزام به تهیه امکانات تحصیل را محدود به والدین و سرپرستانی قرار داده که فرزندانشان در محلهایی زندگی می‌کنند که در آن منطقه امکانات تحصیل رایگان فراهم شده است. قانون اساسی نیز دولت را مکلف کرده است که در سراسر کشور امکانات آموزش رایگان را مهیا کند. دولت‌ها نیز در این زمینه عملکرد موفقی داشته‌اند و در همه مناطقی که جمعیت در خور توجهی سکونت دارند، زمینه تحصیل رایگان را فراهم آورده است. با این حال، در بسیاری از مناطقی که جمعیت کم است، دانش‌آموزان برای تحصیل مجبورند به مناطق دیگر بروند که هزینه بیشتری برای اولیا به همراه دارد. فرض کنید کودکی به همراه والدینش در یکی از مناطق مرزی کم‌جمعیت زندگی می‌کند و دولت نیز در آن حوالی شرایط تحصیل را فراهم نکرده است. در صورت تمایل کودک به مدرسه رفتن، باید به منطقه‌ای دوردست برود. در این صورت، ممانعت ولی طفل از تحصیل او گرچه با موازین اخلاقی مغایرت دارد، اما مستوجب مجازات نیست. به هر حال، توجه به این نکته لازم است که آنچه در این شرط ملاک است، محل زندگی

کودک و نوجوان است، نه محل زندگی والدین؛ زیرا این کودک است که تحصیل می‌کند و والدین صرفاً مکلف به فراهم‌آوردن امکانات آن هستند (همان). شایان ذکر است که اگر در منطقه‌ای فقط مدرسه غیرانتفاعی وجود داشته باشد، هرچند این فرض دور از تصور است، در صورت ممانعت والدین و سرپرستان از ثبت نام فرزند در این گونه مدارس، سزاوار تعقیب کیفری نیستند. همچنین، اگر در منطقه‌ای مدارس رایگان و غیرانتفاعی، هر دو، وجود داشته باشد، ولو اینکه سطح و کیفیت آموزشی این دو با هم تفاوت چشمگیر داشته باشد، والدین و سرپرستان مکلف به ثبت نام فرزندشان در مدارس غیرانتفاعی نیستند.

۳.۳. رکن معنوی

واژه‌های «امتناع» و «جلوگیری» که در ماده ۴ قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و نوجوانان ایرانی به کار رفته، عمدی بودن جرم محل بحث را می‌رساند، اما در باب «امتناع» به نظر می‌رسد اگر والدین علی‌رغم داشتن امکانات مالی، از روی سهل‌انگاری وسایل موجبات تحصیل کودک و نوجوان را فراهم نیاورد، مشمول این قانون خواهد بود. در تعبیر این نظر باید گفت در کلمه «امتناع»، عمد نهفته است. از نحوه تدوین این ماده، چنین برداشت می‌شود که قانون‌گذار، رفتار والدین یا سرپرستی را که علی‌رغم داشتن استطاعت مالی، موجبات تحصیل کودک را فراهم نمی‌آورد، عمدی فرض کرده است. این تعبیر در خصوص رفتار «جلوگیری» از آن جهت که از نوع فعل است، پیش نخواهد آمد و جلوگیری از تحصیل طفل به طور عمد ارتکاب می‌یابد (همان: ۳۲۶).

نتیجه

با توجه به تحولات نظام اجتماعی و اینکه امروزه سوادآموزی، عرفاً ضرورت محسوب می‌شود، تأمین هزینه‌ها و فراهم‌آوردن امکانات لازم برای مدرسه‌رفتن فرزندان، یکی از

تعقیب کیفری جرم ممانعت از تحصیل کودک و نوجوان در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران / ۷۳

مصادیق نفقه آنان است. گاهی اولیا و سرپرست کودک و نوجوان علی‌رغم فراهم بودن مقدمات لازم برای تحصیل فرزندشان، از این کار ممانعت کرده، هزینه‌ها و امکانات لازم را برای مدرسه‌رفتنش فراهم نمی‌کنند. در نظام حقوقی ما، برای اولین بار، به موجب تصویب قانون درباره آموزش و پرورش عمومی اجباری و مجانی، مصوب ۱۳۲۲، این رفتار جرم‌انگاری و مستوجب مجازات دانسته شد. در سال ۱۳۵۳ نیز با تغییر برخی شرایط لازم برای تحقق جرم ممانعت از تحصیل فرزند، بر حمایت کیفری از سوادآموزی کودکان و نوجوانان تأکید شد. قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، مصوب ۱۳۸۱، نیز این موضوع را تکرار کرد، تا اینکه بالأخره در سال ۱۳۹۹ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان به تصویب رسید. این قانون هم که مقررات جامعی برای حمایت از اطفال و نوجوانان پیش‌بینی کرده، بر وصف «کیفری» ممانعت از تحصیل کودکان تصریح کرده است. در حال حاضر، قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی، مصوب ۱۳۵۳، و قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، مصوب ۱۳۹۹، هر دو حیات حقوقی و قابلیت اجرا دارد.

برای اینکه شخصی به دلیل ممانعت از تحصیل کودک و نوجوان تعقیب کیفری شود، شرایطی لازم است؛ از جمله اینکه کودک یا نوجوان باید کمتر از ۱۸ سال سن داشته، و شرایط قانونی برای تحصیل یا ادامه آن را داشته باشد. شخص ممتنع نیز باید پدر یا مادر یا سرپرست قانونی یا شخصی باشد که قانوناً مکلف به نگهداری یا تربیت آن شخص بوده و توانایی مالی تأمین مخارج و فراهم آوردن امکانات تحصیل او را نیز داشته باشد. به‌علاوه باید موجبات تحصیل رایگان در آن منطقه فراهم باشد. فقدان هر یک از این شرایط مانع تعقیب کیفری شخص ممتنع خواهد شد.

این جرم از جرائم عمدی است، اما از عبارات به‌کاررفته در ماده ۴ قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی چنین برداشت می‌شود که قانون‌گذار،

رفتار والدین یا سرپرستی را که علی‌رغم داشتن استطاعت مالی، موجبات تحصیل کودک یا نوجوان را فراهم نمی‌کند، عمدی فرض کرده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. رسول الله (ص): «طلب العلم فریضة علی کل مسلم و مسلمة».
۲. کسی که در کودکی علم می‌آموزد، مانند آن است که نقشی را بر سنگ حک می‌کند و کسی که در سنین بالا علم می‌آموزد، مانند کسی است که چیزی را بر آب بنویسد.
۳. مثلاً منظور از «انفاق»، در این دو آیه بذل و بخشش است: «لن تنالوا البر حتی تنفقوا مما تحبون» (آل‌عمران: ۹۲)؛ «هرگز به حقیقت ایمان نخواهید رسید، مگر اینکه از آن چیزهایی را که دوست دارید، انفاق کنید»؛ «و اذا قیل لهم انفقوا مما رزقکم الله قال اللذین کفروا للذین آمنوا انطعم من لو یشاء الله اطعمه» (یس: ۴۷)؛ «هنگامی که به آنان گفته شود که از آنچه که خداوند به شما روزی داده به دیگران انفاق کنید، کسانی که به خداوند کفر ورزیده‌اند می‌گویند که آیا کسانی را اطعام کنیم که اگر خدا می‌خواست آنان را اطعام می‌کرد؟».
۴. برای مطالعه بیشتر نک: موسوی مصباح‌الشریعه و قانع، ۱۴۰۰: ۱۱۰-۱۱۳.
۵. ماده ۵۳ قانون حمایت از خانواده: «هر کس با داشتن استطاعت مالی نفقه زن خود را در صورت تمکین او ندهد، یا از تأدیه نفقه سایر اشخاص واجب‌النفقة امتناع کند، به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شود. تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت گذشت وی از شکایت، در هر زمان تعقیب جزایی یا اجرای مجازات موقوف می‌شود».

منابع

قرآن کریم.

- ابو حنیفه، نعمان بن محمد (۱۳۸۵). *دعائم الاسلام*، قم: مؤسسة آل البيت (ع)، چاپ دوم، ج ۱.
- اسدی، لیلا سادات (۱۳۹۲). *حقوق کیفری خانواده*، تهران: میزان، چاپ اول.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۲). *وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة*، قم: مؤسسة آل البيت (ع) لاحیاء التراث، ج ۲۷.
- زینلی، فرشته (۱۳۹۵). «مصادیق و شرایط نفقه اولاد»، در: *علوم انسانی اسلامی*، دوره ۱، ش ۱۰، ص ۱۹۵-۲۹۵.
- شرتونی لبنانی، سعید (بی تا). *اقرب الموارد فی فصیح العربیة والشوارد*، بی جا: دار الکتب الاسلامیة، ج ۲.
- صفایی، سید حسین؛ امامی، اسدالله (۱۳۸۸). *مختصر حقوق خانواده*، تهران: میزان، چاپ چهاردهم.
- عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۰۹). *منیة المرید*، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، الطبعة الاولى.
- عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۲۳). *مسالك الافهام*، قم: مؤسسة المعارف الاسلامیة.
- عبد الحمید، محمد محیی الدین (۱۳۷۷). *الاحوال الشخصية فی الشریعة الاسلامیة*، بیروت: مکتبة التجاریة الكبرى، الطبعة الثانية.
- فاضل لنگرانی، محمد (۱۴۲۱). *تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة (النکاح)*، قم: مرکز فقه الاثمة الطهار.
- فرشتیان، حسن (۱۳۷۱). *نفقه زوجه؛ پژوهش تطبیقی حقوق مدنی ایران و سایر نظام های حقوقی*، قم: بوستان کتاب، چاپ اول.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۹). *دوره حقوق مدنی: خانواده*، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ج ۲.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۹). *اصول الکافی*، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- مجلسی، محمد باقر (بی تا). *بحار الانوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۶۷.
- معین، محمد (۱۳۸۶). *فرهنگ فارسی*، تهران: آدنا، چاپ چهارم، ج ۲.
- موسوی مصباح الشریعه، احمد رضا؛ قانع، احمد علی (۱۴۰۰). «بررسی فقهی حقوقی استحقاق فرزندخوانده بر دریافت نفقه از سرپرست قانونی»، در: *مطالعات فقهی حقوقی زن و خانواده*، س ۴، ش ۷، ص ۱۰۵-۱۲۴.
- نجفی، محمد حسن (۱۴۳۰). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، الطبعة الاولى، ج ۳۱.

References

The Holy Quran

- Aameli (Shahid Thani), Zayn al-Din ibn Ali. 1988. *Monyah al-Morid*, Qom: Islamic Media Office, First Edition. [in Arabic]
- Aameli (Shahid Thani), Zayn al-Din ibn Ali. 2002. *Masalek al-Afham (Paths of Understanding)*, Qom: Islamic Teachings Institute. [in Arabic]
- Abd al-Hamid, Mohammad Mohyi al-Din. 1957. *Al-Ahwal al-Shakhsiyyah fi al-Shariah al-Islamiyyah (Personal Status in Islamic Law)*, Beirut: Great Commercial Press, Second Edition. [in Arabic]
- Abu Hanifah, Noman ibn Mohammad. 2006. *Daaem al-Islam (Pillars of Islam)*, Qom: Al al-Bayt (AS) Institute, Second Edition, vol. 1. [in Arabic]
- Asadi, Leyla Sadat. 2013. *Hoghugh Keyfari Khanewadeh (Family Criminal Law)*, Tehran: Balance, First Edition. [in Farsi]
- Farshatian, Hasan. 1992. *Nafagheh Zojeh: Pajuhesh Tatbigi Hoghugh Madani Iran wa Sayer Nezam-hay Hoghugi (Alimony of Wife: Comparative Research of Iranian Civil Law and Other Legal Systems)*, Qom: Book Garden, First Edition. [in Farsi]
- Fazel Lankarani, Mohammad. 2000. *Tafsil al-Shariah fi Sharh Tahrir al-Wasilah: Nekah (Details of Sharia in the Explanation of the Book Tahrir al-Wasilah: Marriage)*, Qom: Jurisprudential Center of the Infallible Imams (AS). [in Arabic]
- Horr Aameli, Mohammad ibn al-Hasan. 1991. *Wasael al-Shiah ila Tahsil Masael al-Shariah (The Means of the Shiites to Achieve the Issues of Sharia)*, Qom: Al al-Bayt (AS) Institute for the Revival of Heritage, vol. 27. [in Arabic]
- Katuziyan, Naser. 2010. *Doreh Hoghugh Madani: Khanewadeh (The Course of Civil Law: Family)*, Tehran: Enteshar Joint-Stock Company, vol. 2. [in Farsi]
- Kolayni, Mohammad ibn Yaghub. 1949. *Osul al-Kafi*, Beirut: Al-Taarof House for Publications. [in Arabic]
- Majlesi, Mohammad Bagher. n.d. *Behar al-Anwar (Oceans of Lights)*, Beirut: Arab Heritage Revival House, vol. 67. [in Arabic]
- Moin, Mohammad. 2007. *Farhang Farsi (Farsi Dictionary)*, Tehran: Adena, Fourth Edition, vol. 2. [in Farsi]

تعقیب کیفری جرم ممانعت از تحصیل کودک و نوجوان در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران / ۷۷

- Musawi Mesbah al-Shariah, Ahmad Reza; Ghane, Ahmad Ali. 2021. "Barresi Feghhi Hoghughi Estehghagh Farzand Khandeh bar Daryaft Nafagheh az Sarparast Ghanuni (Jurisprudential-legal Examination of the Adopted Child's Entitlement to Receive Alimony from the Legal Guardian)", in: *Jurisprudential-legal Studies of Women and Family*, yr. 4, no. 7, pp. 105-124. [in Farsi]
- Najafi, Mohammad Hasan. 2008. *Jawaher al-Kalam fi Sharh Sharae al-Islam (Jewelry Words in the Explanation of Islamic Law)*, Beirut: Arab Heritage Revival House, First Edition, vol. 31. [in Arabic]
- Safayi, Seyyed Hoseyn; Imami, Asadollah. 2009. *Mokhtasar Hoghugh Khanewadeh (Concise Family Law)*, Tehran: Balance, 14th Edition. [in Farsi]
- Shartuni Lobnani, Said. n.d.. *Aghrab al-Mawared fi Fosh al-Arabiyah wa al-Shawared*, n.p: Islamic Books House, vol. 2. [in Arabic]
- Zeynali, Fereshteh. 2016. "Masadigh wa Sharayet Nafagheh Olad (Examples and Conditions of Child Support)", in: *Islamic Humanities*, yr. 1, no. 10, pp. 195-295. [in Farsi]